

چندین شماره از مجله بدون سخن سردبیر منتشر شد، زمان طولانی که عمده وقت ما و دست اندرکاران مجله صرف به روز نمودن مجله، رفع و کم کردن مشکلات فرا روی چاپ مجله بود. مسائلی که البته مختص این مجله نبوده و به نظر مجله‌های دیگر نیز کماکان درگیر آن هستند، از مشکلات مالی گرفته تا مقاله‌هایی که نیاز به بررسی و کنکاش‌های ویژه دارند. البته همه اینها بهانه‌هایی بود که سخن سردبیر را ننویسیم که این وضعیت یعنی پاک کردن صورت مسئله، اعتراض چندانی هم در پی نداشت، فقط گهگاهی جای خالی آن مطرح می‌شد. شاید دفترمجله نیز به علت تنظیم صفحات مجله اصرار به نوشتن آن داشت.

به طور کلی به نظر می‌رسد در انجام کارها نباید نگران ضرب‌المثل معروف ایرانی " دیکته و غلط و نوشتن و نوشتن" بود، چون در این صورت مجله را هم نباید منتشر کرد. البته این ضرب‌المثل جالبی است که در فرهنگ، اخلاق و روابط ما جایگاه گسترده‌ای دارد و مصداق آن پیدا کردن غلط‌های دیکته یا به بیانی انتقاد از "انجام" است. یعنی چگونه دیکته بنویسی، چه بنویسی، کی، کجا و خلاصه هیچ چیز مهم نیست فقط مهم این است که "چندتا غلط داری". یک نگرش اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی که ریشه در گذشته‌ها دارد. آیا ملل دیگر هم چنین اندیشه و نگرشی دارند؟ آیا بین این مبحث و ژنتیک انسان‌ها رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا می‌توان ردپایی از اپی‌ژنتیک در این قضیه بدست آورد؟

در مباحث وراثتی بحث محیط و ژنتیک هر دو مهم است. از طرفی شرایط فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و فکری از جمله بخش‌هایی از محیط است که البته فقط شامل انسان می‌شود و بر موجودات دیگر حاکم نیست. این محیط - یعنی فرهنگ، اخلاق، تفکر و نگرش اجتماعی - متاثر از ژنوم و موثر بر ژنوم است و با استناد به تاثیرات اپی-ژنتیکی شاید بتوان بیان داشت که توجه به شرایط فرهنگی، اخلاقی، فکری و اجتماعی اثرات بس عظیم و گسترده‌تر از آنچه قبلاً تصور می‌شد، دارد. شرایط فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و فکری انسان و وضعیت روانی او، هنجارها و ناهنجاری‌هایی را در جسم و روان انسان‌ها بوجود می‌آورد که بسیار گسترده و عمیق است و تا چندین نسل بعد اثرات آن باقی خواهد بود. لذا به نظر می‌رسد در جهان امروز جامعه انسانی به مرحله‌ای رسیده‌است که دانشمندان دو شاخه مختلف و متفاوت ژنتیک یعنی "متخصصان علوم زیستی و متخصصان علوم انسانی" باید بسیار نزدیکتر و در ارتباط تنگاتنگی به کنکاش وضعیت انسان و جامعه امروز بپردازند تا شاید سریعتر و راحتتر و با هزینه‌های بسیار کمتر به پیشگیری و اصلاح ناهنجاری‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی پرداخته و نتایج بهتری بدست آورند. در این رابطه دلی - دانشمند آمریکایی - در سال ۱۹۹۷ می‌گوید: اگر فروید، داروین را بهتر درک کرده بود در جهان امروز بشر سرگردانی‌های کمتری داشت و کمتر درگیر اندیشه‌های بی‌ترقی بود.